

کیفیت

آوازه‌های ایران

وضع محیط و موقعیت جغرافیایی و آب و هوای این مرزوبوم هم آهنگ با صفات کلی نژادی و روحی ما، کیفیت خاصی به «هنر آواز» ایرانی بخشیده است.

نوای آرام و خواب آور لایمی مادری که در کنار گاهواره طفلش میخواند. خواندن صوفیانه درویش قلندری که جذبه عرفانی دارد، آوای مردی که سحر گاهان بر بالای بام با صدای شفاف خود مناجات میکند هر کدام کیفیت قابل بحث و مطالعه دارد، گویی طبیعت با استادی مخصوص بخود بهر کدام از این نواها حالتی بخشیده که از نظر ریتم - ارتفاع - شدت - طنین - ملودی - شعر - باهم، آرمی و هم آهنگی خاصی ایجاد نموده است.

ارتفاع هر کدام از آوازه‌های سابق الذکر و اصولاً آواز ایرانی در حدود معینی سیر میکند، و مانند وسعت آواز اروپایی گسترده نیست، بعبارت دیگر، بخشهای سپرانو و باس در آواز ایرانی بسیار کم و نادر میباشد و در عوض تحریرها و غلت های متنوع و مختلف جزو مبانی هنر آواز ایرانی شده، و

هنر و مطبوعیت صدای يك خواننده متبحر در چگونگی اجرای همین تحریر ها میباشد.

در اینجا آنچه لازم بذکراست، آنستکه این صنایع بدیع هنر آواز ایرانی را صداهای زیر بهتر میتواند مشخص کند و ایندو لازم و ملزوم یکدیگر میباشند. در صورتیکه صداهای باس از اجرای اینگونه فنون مشخصه آواز ایرانی عاجز است و عبارت دیگر اینگونه تحریرها در موقع شنیدن در صورتی که در حدود باس باشد باهم مخلوط میشود و این شاید يك خاصیت طبیعی یا مربوط به فیزیولوژی خاص ساختمان گوش باشد چه در علم آرمنی موسیقی کلاسیک اروپائی حتی الامکان از فواصل متصل باس دوری میکنند و در اینصورت هرچه نوتهای باس از یکدیگر دور و بصورت منفصل نوشته شود، بگوش خوش آیندتر و مطلوبتر است که علت عدم تمایز این نوتها از هم میباشد و بعکس پاساژهای تند و نواهای ملودیک متصل را بیشتر به بخش سپرانو میدهند، لهذا در آواز کلاسیک ایرانی نیز چون از این پاساژها و غلتها بسیار بگوش میرسد صداهای باس از اجرای آن معذور میباشد. بهترین وسیله برای تجربه امر فوق «پیانو» میباشد که هر گاه تحریرهای آواز ایرانی را بادست چپ آن اجرا کنند متوجه خواهید شد که بگوش مطبوع نخواهد بود و عکس آن اجرای عین آنها با دست راست یعنی در بخشهای سپرانو یا آلتو است که خوش آیند واقع میشود.

در ایران اصولاً مردان «بم خوان» کمتر بوجود آمده اند، و موارد استثنائی آن تنها در تهریه بود که بعضی نقشبها وجود آنان را ایجاب میکرد ولی اینگونه صداها گاهی در آوازه های محلی یافت میشود، بخاطر دارم استاد فقید ابوالحسن صبا هنگامیکه در تدریس ردیف و یلن خود به قطعه معروف «دیلمان» میرسید میگفت که «این آهنگ را میباید با صدای دور که مخصوص دهقانان آن دیار شنید تا به حالت و اثر آن پی برد و لذت حاصل کرد» بدیهیست یکی دیگر از علل محدود شدن حدود صدای خوانندگان ایرانی محدود بودن وسعت سازهای متداول چند قرن اخیر ایران است، چه سازهایی که حدودشان به نوتهای باس برسد کمتر وجود داشته و اگر در قسمتهای بم هم در بعضی وجود داشته برای اجرای ملودی اصلی که خواننده با آن میخوانده نبوده بلکه بعنوان «پایه» در چهار مضرابها و رنگها یا بجای سکوت سر ضربها بکار میبرده اند بنابراین حدود معمولی آواز ایرانی را میتوان برای زنها

از نوت «Ut3» تا «Re3» (روی خط چهارم حامل کلید سل) و برای مردها از «La2» تا «La3» تعیین کرد، بدیهیست دو نوت پائین‌تر و بالاتر از حدود و وسعت فوق نیز برای خواننده بزرگت قابل اجراست .

شدت صدای خوانندگان قدیم ایرانی غالباً خوب و متناسب بوده است، یعنی بخوبی میتوانسته اند صدای خود را بفواصل دور برسانند. روایتی از یکی از خوانندگان متأخر در دست است که اشعاری که میخوانده در چند کیلومتر دورتر یادداشت میشده و مشخص بوده است، بعکس بعضی دیگر بدون رعایت و درک حدود صدای طبیعی خود بجهت اوج میگرفته و صدای آنان تبدیل بفریاد میگشته است، امروز نیز این عیب را در بعضی خوانندگان درمیابیم همچنین بیشتر ایشان در اثر وجود «میکرفن» نزدیک دهنه آن بجای آواز «نجوا» می کنند و کمتر خواننده ای میتوان یافت که از این نظر دارای صدای غنی و پرگترش باشد. بدیهیست یکی از عوامل مؤثر برای پرورش شدت و جذابیت و گسترش صدا تنفس صحیح میباشد ریه های خالی از هوا کمتر میتواند ایجاد صدای مطبوعی بنماید و همچنین باید از ایجاد انقباض و گرفتگی در گلو و سایر اعضاء بدن کاملاً احتراز کرد . برخی از خوانندگان ایرانی بنا بدوق طبیعی از عوامل سابق الذکر استفاده کرده اند.

زنگ یا طنین یا چگونگی صدا یکی دیگر از عوامل مهم مشخصه آواز است، ممکنست چند زن خواننده همگی نوت «La=435» را بخوانند و از نظر تعداد فرکانس در ثانیه (ارتفاع صوت) همگی شبیه باشند، با وجود این گوش زنگ صدای هر کدام را تشخیص خواهد داد و با یکدیگر متمایز خواهند بود.

از خوانندگان قدیم ایرانی بعضی دارای صدای بسیار خوش طنین بوده اند که دارای گیرائی و جذابیت خاصی بوده است . امروز بتقلید، بعضی خوانندگان صدای تودماغی بخصوصی ایجاد می کنند، عامل اصلی طنین صدا «رزنانس» است که بصدا تن درخشان و موج میدهد برای ایجاد این عامل میبایست از صفحات نوسانی و انعکاسی بدن که عبارتست از قسمتهای بالای بینی - سقف دهان - و مخصوصاً سینه و دیافرام جدا کثر استفاده را بردچون همه اینها مانند صفحه بالای یک پیانو یا جعبه طنین ویلن بصدا رزنانس می بخشد .

تشخیص طنین وزنگ صدای اصلی خوانندگان ایرانی در حال حاضر از صفحات پارادبو یا ضبط صوتهای تجارتي موجود کار صحیحی نیست، چون وسایل الکترونیکی مذکور مخصوصاً اگر بصورت «Hi-Fi» ساخته نشده و فقط جنبه تجارتي آن در نظر باشد دارای وفاداری لازم برای تحویل و انتقال صدای طبیعی نیست و آرمیکهای لازم برای این منظور را ذایل می-سازد. در صورتیکه بعضی صفحات گرمافون موجود که با برق ضبط شده گواينکه در ۲۵ سال قبل نیز تهیه شده باشد از این نظر خوب و طبق سبسته مخصوصی قابل استفاده است.

دربین خوش طنین ترین صداهائی که از آواز ایرانی شنیده ام صدای شفاف و درخشنده خواننده فقید قمرالملوک وزیري است، همچنین تنوع تحریرها و مهارت ایشان را در ادای صنایع و فنون بخصوص آواز ایرانی در کمتر کسی یافته ام، چه هنگام شنیدن، شور خاصی در شنونده آشنا ایجاد میکند این خواننده بنا با استعداد طبیعی و ذوق خداداد از عوامل مهم تنفس صحیح و ایجاد رزنانس مطبوع در پرورش صدای گرم و پرگسترش خود استفاده کرده بود.

در تحقیق، راجع به کیفیت دستگاہها و آوازه‌ها و نغمه‌های ایرانی مشاهده میشود که هیچ گوشه‌ای نیست که خالی از صنایع بدیع آواز و تحریرها و غلت‌های زیبا و مطبوع باشد.

یکی از خواص مشخصه تحریرهای «آوازه» ایرانی آنستکه مخصوص به ساز یا آواز سلو میباشد و هرگاه يك ارکستر بزرگ مخصوصاً اگر از نظر سازهای مضرابی هم غنی باشد بخواند آنها را اجرا نماید بدون شك بگوش شنونده چندان مطلوب نخواهد بود.

درخاتمه یادداشتهای اجمالی فوق راجع به «کارا کتر آواز ایران» مطالب زیر را که جهت تربیت صدای خوب يك خواننده ایرانی کاملاً ضروری بنظر میرسد پیشنهاد و توصیه مینمایم.

- ۱- آشنائی کامل بخط نوت بین المللی و تربیت صدا و گوش بوسیله سرایش
- ۲- دانستن گامهای مختلف و مایه‌های ایرانی و فرا گرفتن دستگاہها، نغمه‌ها، گوشه‌های معمول و دلپسند
- ۳- آشنائی به تغییر مایه‌های نزدیک مطبوع در دستگاہها و ایجاد تنوع در موقع لزوم و حسن سلیقه لازم در مورد مذکور

۴ - دانستن صنعت تلفیق شعر و آواز با موسیقی و احاطه کامل و احساس و درک اشعار زیبای فارسی

۵ - آشنایی به تحریرها - غلتها - چپچهها و تنوع صنایع مذکور که غالباً خط نوت موجود از بیان آن بنحو احسن بر نمیآید و بدون شك مهارت خواننده (یا نوازنده) میبایست جبران این نقیصه را بنماید.

۶ - شنیدن نغمه ها و آواز خوانندگان خوب و دقت و ممارست روی آنها که در اینصورت میتوان از منابع صفحه بانوار ضبط صدای مورد اطمینان استفاده کرد.

۷ - تمرین باارکستر

بدیهیست در رأس موازین سابق الذکر وجود هنر آموز متبحر و مسلط کاملاً ضروریست و همچنین در ضمن تمرین و اتود هر يك از مطالب فوق خواننده خود به نکات و مواردی واقف خواهد گشت که در قلمرو درس و مکتب کلاسیک این هنر نمی گنجد.

ساسان سپنتا



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی